

فهرست

نگاهی اجمالی به این مجموعه	نگاهی اجمالی به این مجموعه
آش، آحمد	آش، آحمد
۱	۱
آریزی، آرثُر جان	آریزی، آرثُر جان
۹	۹
آنکھیل دوپرون	آنکھیل دوپرون
۱۷	۱۷
إنه، هِرمان	إنه، هِرمان
۲۳	۲۳
إشتوري، چارلز آمېروز	إشتوري، چارلز آمېروز
۲۹	۲۹
الغَزاده، ساتم	الغَزاده، ساتم
۳۳	۳۳
إول ساتِن	إول ساتِن
۴۷	۴۷
ایران‌شناسی	ایران‌شناسی
۵۷	۵۷
ایوانوف	ایوانوف
۸۵	۸۵
باباجان غفوراف	باباجان غفوراف
۹۳	۹۳
بازبیبه دومنار	بازبیبه دومنار
۱۰۳	۱۰۳
بازتولد	بازتولد
۱۱۳	۱۱۳
بازتولومه	بازتولومه
۱۲۱	۱۲۱
باوزانی، إسائندرو	باوزانی، إسائندرو
۱۲۹	۱۲۹
براؤن	براؤن
۱۳۷	۱۳۷
بریلس	بریلس
۱۴۵	۱۴۵
بریکتو، اوگوست	بریکتو، اوگوست
۱۵۱	۱۵۱
بلوخان	بلوخان
۱۵۹	۱۵۹
بلوش	بلوش
۱۶۵	۱۶۵
بئونیست، امیل	بئونیست، امیل
۱۷۱	۱۷۱

دە ایران شناسی و ایران شناسان

١٧٧	بۇزۇنوف، اوژن.....
١٨٥	بۇئىس، نۇرالىيەت مرى.....
١٩٣	بۇئىل، جان آندرو.....
٢٠١	پېشىل، ھاروۇڭ والتىر.....
٢٠٩	پېشىسى، ايتالو.....
٢١٧	تۈرگۈزۈن زادە، مېززا.....
٢٢٧	چەككۈسون.....
٢٣٣	جوئىز، ويلىام.....
٢٤١	چەرچىلىقى، إِنْرِيَكُو.....
٢٤٥	خانىكوف.....
٢٥٣	خَالِيلِ اللَّهِ، خَالِيلِ اللَّهِ.....
٢٦٣	خۇجۇڭىكى، ئىككىسائىدر.....
٢٦٩	دارمىستىر، ڇام.....
٢٧٧	دانىش، آخْمَد مُحَمَّد بْنُ نَاصِر.....
٢٨٧	دېخويە، مېخائىيل يان.....
٢٩٣	دېرىمرى، شازىل فرائسۇوا.....
٣٠١	دۇبۇ، لوبي.....
٣٠٥	دوزۇن، يوهان آلېرت بېنەھايد.....
٣١٣	دورىيە، آندرە.....
٣١٧	دومۇزگان.....
٣٢٧	دۇھارۋال.....
٣٣١	ديولافۇآ، ماڻىسل اوكۇشت.....
٣٣٧	رابينو، ياسئىت لوبى.....
٣٤٥	راشك، راسموس كُريستيان.....
٣٥١	راولينسون، سِرْ هِنْرِي كِرْزِيك.....
٣٥٩	روزىن، فُرِيدُرِيش.....
٣٦٣	روزىشىوايىگ فون شواناوا.....

فهرست

یازده

روکرەت، فُریدریش ۳۶۷
رینکا، يان ۳۷۳
ریتر، ھلموت ۳۷۷
زانخودر، باریس نیکولاپویچ ۳۸۳
زاره، فُریدریش ۳۹۱
زالمان، کاژل ھرمانویچ ۳۹۴
ژوپیر ۴۰۷
ژوكوفسکی ۴۱۳
سیلوشتز دوساسی ۴۲۳
شِفر، شاژل هانزی اوگوشت ۴۳۱
شکوری بخارابی، محمدجان ۴۳۹
(شکوراًف محمدجان شریف آویچ) ۴۴۹
شل، ڇان ونسان ۴۵۷
شیمیل، آنے ماری ۴۶۹
صدر ضیاء، محمد شریف جان محمدوم ۴۸۱
عایدی، سید امیر حسن ۴۸۹
عینی، صدرالدین سید مرادزاده ۵۰۷
فراي، ریچارد نلسون ۵۱۷
کاثرم، اتنی ماڑک ۵۲۳
کازیبیرسکی ۵۳۳
کامرون ۵۳۹
گُربن، آنری ۵۴۵
کریشنین، آرتور إمانوئل ۵۵۳
گازسن دوتامى ۵۶۱
گالان، آتشوان ۵۶۷
گائیگر ۵۷۱
گُدار، آندره ۵۸۱

دوازده ایران‌شناسی و ایران‌شناسان

۵۸۷	گرژشیج
۵۹۷	گروسه، رنه
۶۰۳	گلپنکه
۶۰۷	گلدنر
۶۱۳	گوبینو
۶۲۳	گولپیناڑی، عبدالباقی
۶۲۹	گیرشمیں، رومن
۶۳۵	لانگلیس
۶۴۱	لاپق شیرعلی
۶۴۹	لپیون
۶۵۵	لومل، هرمان
۶۵۹	لوی، روین
۶۶۳	مار، یوری نیکولا یویچ
۶۷۱	ماڑکواڑت
۶۷۹	مامسه
۶۸۷	ماسینیون، لویی
۶۹۵	مایر، فریش
۷۰۱	ماپرھوفر، مانفرد
۷۰۹	موڑگشتهئونه
۷۱۷	مول، ڙول
۷۲۵	مینورشکی
۷۳۷	میه، آشوان
۷۴۳	نولدکه، تودور
۷۵۱	نیکلیسن، رنالد الین
۷۶۳	نیکیتین، واسیل پتروویچ
۷۷۳	نیولی، گراڑدو
۷۸۵	وشتیگارڈ

فهرست

سیزده

۷۹۱	ولف، فریتسن
۷۹۷	هادیزاده، رسول
۸۰۳	هایر - پور گشتال
۸۰۹	هائید، توماس
۸۱۹	هیئت‌شیلد، ارنست امیل
۸۲۷	هینینگ
۸۳۵	هوگ، مازتین
۸۴۳	یازیجی، تحسین
۸۵۳	یوسُقى
۸۶۳	یونکر، هایئریش فرانسس یوزِف

نمایه‌ها

۸۶۹	نامها
۸۹۷	نام کتابها
۹۳۹	نام جاها

نگاهی اجمالی به این مجموعه

مجموعه حاضر گزیده دیگری از مقالات دانشنامه زبان و ادب فارسی است در صد و یازده مقاله شامل مهم‌ترین اطلاعات مربوط به ایران‌شناسانی که ساها در زمینه‌های متنوع فرهنگ، تاریخ، تاریخ و زبان و ادبیات ایران‌زمین مطالعه، تحقیق، تحصیل و تدریس کرده‌اند. حاصل این پژوهشها آثار مهمی است که، در بسیاری موارد، به عنوان منابع معتبر و دست اوّل، در دانشگاه‌های ایران معّرف و تدریس می‌شوند.

در مقاله «ایران‌شناسی»، با توجه به مفاهیم ارائه شده در باب ایران‌شناسی خارجی و داخلی، به تعریف روشن از ایران‌شناسی پرداخته شده است و آن را از تعاریف غیرعلمی، که بر جلوه‌های سیاحتی و زیارتی یا جاذبه‌های گردشگری ایران تأکید می‌کند، متمایز کرده و آن را چنین تعریف کرده است: ایران‌شناسی عبارت است از مطالعه و تحقیق در کلیّه جنبه‌ها و مظاهر قدن ایرانی و شناساندن این قدن به جهان. مجموعه دست‌آوردهای ایران‌شناسی نشان می‌دهد که این علم شامل بررسی قدن ایران باستان و، به موازات آن، در قدن عصر اسلامی و تأثیر قدن ایران باستان در ادبیات فارسی دوره اسلامی است. پیوند این دو دوره تاریخی سبب شد که ایران‌شناسان در تحقیقاتشان به تمامی جوانب قدن ایران بپردازنند.

در این مقاله به بخش‌های گوناگون ایران‌شناسی در اروپا، در قرون هفدهم، هجدهم، نوزدهم و بیستم میلادی و سپس ایران‌شناسی در ایران،

آتش، احمد

ادیب و ایران‌شناس نامدار ترک. در ۱۹۱۷م، در آنچه که از روستاهای بخش نیزیپ^۱ ولايت غازى عینتاب^۲ به دنيا آمد (چتىن، ص ۷۳۷). در اين ولايت، كه تا بعد از جنگ جهانى اول وابسته به ايالت حلب بود، مردم بيشتر به زبان عربى تکلم مى‌كردند (سامى، ج ۵، ص ۳۲۳۲، ذيل «عینتاب»)؛ از اين رو، آتش از ساهمای نوباوگى با اين زبان آشنايى يافت. تحصيلات ابتدائي را در مروعش^۳، تحصيلات متوسطه را در قونيه، از کانوهای رواج زبان و ادبیات فارسي در تركىه، به پيان رساند. در ۱۳۱۴ق / ۱۹۳۵م، به دانشسرای عالي^۴ استانبول رفت. در عين حال در شعبه زبان و ادبیات تركى دانشكده ادبیات دانشگاه استانبول به تحصيل پرداخت و آموزش زبانهای عربى و فارسي را نيز، كه در آن زمان به عنوان دروس كمكى در آنجا تدريس مى‌شد، با علاقه‌مندي دنبال كرد و پس از اتمام تحصيل در اين دانشكده، در ۱۹۳۹م، به عنوان استاديار هلموت ريتَر^۵، استاد زبان‌شناسي تاریخى^۶ عربى و فارسي همان

1. Ağcaköy 2. Nizip 3. Gaziantep 4.Maraş

5.Yüksek Öğretmen Okulu 6.Helmut Ritter

7.philology

۲ ایران‌شناسی و ایران‌شناسان

دانشکده، پذیرفته شد (چتین، همان‌جا؛ عالم‌زاده، ج^۱، ص^{۹۵}). سپس، با گذراندن رساله خود، تحت عنوان *النّابغة النّبّياني*، در ۱۹۴۳م، دانشیار شد و تا بازگشت ریتر به آلمان، در ۱۹۴۹م، با او همکاری داشت. در ۱۹۵۳م، به مقام استادی ارتقا یافت و مجله *شرقیات*^۱ را از سال ۱۹۵۶م منتشر کرد. مؤسسهٔ شرقیات با مدیریّت و مساعی او هویّت حقوقی یافت. او چند بار، برای شرکت در همایش‌های علمی، به خارج از ترکیه سفر کرد که آخرین آنها به تهران و برای شرکت در کنگرهٔ بزرگ جهانی ایران‌شناسان در این شهر، در شهریور ۱۳۴۵ش / سپتامبر ۱۹۶۶م، بود. یک ماه و اندی پس از بازگشت از ایران، در روز ۳ آبان / ۲۵ اکتبر همان سال، درگذشت (چتین، ص ۷۳۷-۷۳۸).

آتش برای دایرةالمعارف اسلام^۲ ترک مقاله می‌نوشت و در هیئت تحریریه آن و در انتیتوی ترکیات و انجمن اورینس^۳ عضویت داشت، و سمت‌های دیگری نیز، از جمله، مدیریّت انتیتوی استانبول، را عهده‌دار بود (نک: مینوی، ص^۳). او، در ۱۴ اسفند ۱۳۳۵ش / ۵ مارس ۱۹۵۷م، به دریافت نشان «سپاس ایران» مفتخر شد (قورداقول^۴، ص ۶۵).

آتش، گذشته از مقالات بسیاری که در زمینهٔ زبان و ادبیات فارسی، عربی و ترکی در نشریّات مختلف ترکیه از جمله ترکیات^۵، شرقیات، مجلهٔ زبان و ادبیات ترکی^۶، بلزن^۷، مجلهٔ تاریخ^۸، و نیز در مجلّات فارسی چون یغما، دانشکدهٔ ادبیات تهران و دانش به چاپ

1. *Şarkiyat Mecmuası* 2. *İslam Ansiklopedisi*

3. Oriens 4. Kurdakul 5. *Türkiyat Mecmuası*

6. *Türk Dili ve Edebiyatı Dergisi* 7. Belleten

8. *Tarih Dergisi*

رسانیده، کتابهای نیز، که غالباً به زبان فارسی است، تصحیح و به زبان ترکی ترجمه کرده است. اهم آنها از این قرار است:

۱. تصحیح سندبادنامه، نگارش ظهیرالدین سمرقندی، از مشاهیر مترسلان و کتاب ایران، در اوخر قرن ششم ق (صفا، ج ۲، ص ۹۹۹-۱۰۰۳؛ موریسن، ص ۹۳)، که همراه با سندبادنامه عربی، یکی از ترجمه‌های نسبتاً کهن سندبادنامه به زبان عربی عامیانه، در ۱۳۲۷ق/۱۹۴۸م در استانبول انتشار یافت. آتش مقدمه‌ای مفصل درباره منشأ داستانهای سندباد و روایات و ترجمه‌های گوناگون آن به زبانهای شرق و غربی بر آن افزوود. چکیده بخشایی از این مقدمه در مدخل «سندبادنامه»، در دایرة المعارف اسلام بنیاد دینی ترک^۱ (ج X، ص 678-680) به قلم خود او مندرج است.

۲. تصحیح ترجمان البلاعه، اثر محمدبن عمر رادویانی که گمان می‌رفت که مفقود شده باشد؛ چنان‌که اقبال آشتیانی و هلموت ریتر و برخی محققان دیگر از مفقود شدن آن اظهار تأسف کردند (نک: اقبال آشتیانی، ص سا) و نویسندهان بعدی آن را به اشتباه از تألیفات فرخی سیستانی به شمار آورده‌اند (مثلاً، نک: یاقوت جموی، ج ۱۹، ص ۲۹؛ حاجی خلیفه، ج ۱، ستون ۳۹۶؛ براون، ص ۳۸؛ همایی، ص ۱۴۶). این اثر، پس از انتشار، مورد توجه محافل ادبی ایران قرار گرفت و بهار (ص ۲۹۴ به بعد) به تفصیل به معزّف و نقد آن پرداخت.

۳. تصحیح جامع التواریخ، اثر رشیدالدین فضل الله همدانی. آتش جزء چهارم این اثر را در ۱۹۵۷م و جزء پنجم آن را در ۱۹۶۰م، به نفقة «انجمن تاریخ ترک»، به چاپ رساند. پس از انتشار آن، مینوی مقاله مفصلی در نقد آن نوشت (ص ۲۴-۲۵). آتش، در پاسخ به این

۴ ایران‌شناسی و ایران‌شناسان

نقد، مقاله‌ای با عنوان «به مناسبت نقد جامع التواریخ»، در مجله بلتن، منتشر کرد، که از بهترین نوشه‌های او در باب تصحیح متون به حساب آمده است. ترجمه آن مقاله نیز، به قلم خود او، به نام «در باب نقد جامع التواریخ» در مجله دانشکله ادبیات تهران، در ۱۳۴۰ ش انتشار یافت.

۴. رسالت فی ماهیة العشق، مشتمل بر تصحیح انتقادی چند رساله ابن سينا و ترجمه آنها به ترکی، که در ۱۹۵۹م، در استانبول، انتشار یافت.

۵. شهریار و سلام بر حیدربابا^۱ که در بخش نخست آن (آنکارا، ۱۹۶۴م)، محمدحسین شهریار و، در بخش دوم آن، منظمه او معروف شده است (آق پیnar، ص ۶۸۸).

۶. کاتالوگ آثار منظوم فارسی موجود در کتابخانه‌های استانبول^۲، در ۵۵۰ صفحه، (جتن، ص ۷۴۵).

آتش آثاری نیز، از فارسی و عربی، به زبان ترکی ترجمه کرده است که اهم آنها عبارت است از: ترجمه إحصاء العلوم فارابی در ۱۹۰۵م و راحة الصدور و آية السرور راوندی در ۱۹۵۷ و ۱۹۶۷م (همان، ص ۷۳۷) به علاوه، نزدیک به چهل مقاله برای دایرة المعارف اسلام ترک نوشته است که در میان آنها می‌توان از مقالات «أنوری»، «خاقانی»، «نظمی»، «قطران»، «سنایی»، «مسعود سعد سلمان»، «منوچهری»، «قشیری»، «محبی الدين عربی»، «حسین بن علی(ع)»، نام برد. بعضی از این مقالات، مانند «أنوری» و «خاقانی»، ستایش یان

1. Şehriyar ve Haydar Baba'ya Selam

2. İstanbul Kütüphanelerindeki Farsça manzum eserler
Kataloğu

ریپکا* را برانگیخت (ص ۳۱۳، ۳۲۴). مقالات «فرخی چه زمان به چنانیان رفت؟» در مجله دانشکده ادبیات تهران، (ص ۲۱)، «تاریخ نظم شاهنامه و هجونامه‌ای که فردوسی برای محمود غزنوی ساخت» در مجله سیمیرغ (ص ۶۲ به بعد) و «معنای هجده بیت آغا ز مثنوی» (ص ۱۰۳ به بعد) نیز از نوشه‌های مشهور اوست. آتش در تفحصات خود در کتابخانه‌های استانبول و آناتولی (آنکارا، قونیه، بروسه، ادرنه، مفسیسا، تیره، افیون، چورم، اماسیه، صامسون، توکات، قسطمونی) موفق به کشف نسخ خطی فارسی و عربی ارزشمند بسیاری شد که آنها را طی مقالاتی، مندرج در نشریات، مانند مجله انتستیتوی اسلام^۱، بلتن، ترکیات، مجله زبان و ادبیات ترکی، اورینس، تاریخ، معزّی کرده است (چتین، ص ۷۴۷-۷۶). ترجمه و تلخیص بعضی از این مقالات، به قلم عبدالرسول خیامپور، با عنوان عمومی «نشریات ترکیه، چند کتاب خطی مهم فارسی»، در نشریه دانشکده ادبیات تبریز، به چاپ رسیده است. اثر دیگر او، به نام «نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های موزه مولانا و یوسف آغا در قونیه»، به ترجمة توفیق هـ. سبحانی در سیمیرغ، ۱۳۶۸ش، (ص ۵۴ به بعد)، در قونیه و قسطمونی منتشر شده است. از نسخه‌های ارزشمندی که او یافته است نسخه‌ای است از مثنوی ورقه و گلشاه عیوق (از شاعران دوره غزنویان)، در گنجینه توپقاپی سراپی، که او آن را در مجله زبان و ادبیات ترکی سال ۱۹۵۴م، (ص ۳۵ به بعد) و ترجمه فارسی آن را با عنوان «یک مثنوی گم شده از دوره غزنویان، ورقه و گلشاه»، در مجله دانشکده ادبیات تهران، ۱۳۳۳ش، (ص ۱ به بعد) معرفی و متن کامل آن را در همان سال منتشر کرد (صادقپور و جدی، ص ۶۱). از

۶ ایران‌شناسی و ایران‌شناسان

دیگر فعالیت‌های علمی او شناساندن سیف‌الدین محمد فرغانی (از شاعران قرون هفتم و هشتم ق)، براساس سه نسخه موجود دیوان او، در کتابخانه‌های وحید پاشای کوتاهیه، دانشگاه استانبول و روان کوشکوی موزهٔ تپقاپی سراپی (آتش، ص ۱۴۵ به بعد) است. آتش، در زمان تدریس در دانشگاه و انتیتوی شرقیات، در تأثیف بعضی کتابهای درسی نیز شرکت داشته است، که دستور زبان فارسی^۱ (۱۹۴۲م)، با همکاری عبدالوهاب طرزی، و دستور زبان عربی^۲ (۱۹۶۴م)، با همکاری تحسین یازجی و نهت چتین، از آن جمله است.

منابع: آتش، احمد، «آیا رسالت حکمة الموت تأليف ابن سينا؟»، جشن‌نامه ابن سينا، به کوشش ذبیح‌الله صفا، تهران، ۱۳۳۴ش؛ همو، «تاریخ نظم شاهنامه و هجونامه‌ای که فردوسی برای محمود غزنوی ساخت»، سیمیرغ، تهران، ۱۳۵۷ش؛ همو، «درباب نقد جامع التواریخ»، مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات تهران، س، ۸، ش، ۳، تهران، ۱۳۴۰ش؛ همو، «فرّخی چه زمان به چغانیان رفت؟»، همان، س، ش، تهران، ۱۳۳۹ش؛ همو، «معنای هجده بیت آغاز مثنوی»، معارف، شن، ۲، تهران، ۱۳۶۵ش؛ همو، «مقدمه»، نک: رادویانی؛ همو، «نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های موزهٔ مولانا و یوسف آغا در قونیه»، ترجمهٔ توفیق ه. سیحانی، سیمیرغ، تهران، ۱۳۶۸ش؛ اقبال آشتیانی، عیاس، نک: رشید و طواط؛ براون، ادوارد، تاریخ ادبیات ایران، از فردوسی تا سعدی، ترجمهٔ فتح‌الله مجتبایی، تهران، ۱۳۴۲ش؛ بهار، محمدتقی، «ترجان‌البلاغة»، یغماء، تهران، س، ۲، ش-۹، تهران، ۱۳۲۸ش؛ چتین، نهت، «زندگی و آثار احمد آتش»، راهنمای کتاب، س، ۱۳۴۹ش؛ حاجی خلیفه، مصطفی‌بن عجلان، کشف‌الظنون، استانبول، ۱۳۴۱م؛ رادویانی، ترجمان‌البلاغة، به کوشش احمد آتش، استانبول، ۱۹۴۹ش؛ رشید و طواط، سعدالملک محمد، حدائق السحر فی دقائق الشعیر، به کوشش عیاس اقبال آشتیانی، تهران، ۱۳۶۲ش؛ ریپکا، یان و دیگران، تاریخ ادبیات ایران، ترجمهٔ عیسی شهابی، تهران، ۱۳۵۴ش؛ سامی، شمس‌الدین، قاموس الاعلام، استانبول، ۱۳۱۴ش؛ صادق‌پور وجدی، محمد، فهرست کتابخانه ملی تبریز، کتب چاپی‌هداپی حاج محمد نیخجوانی، تبریز، ۱۳۵۲ش؛ صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران،

آتش، آحمد ۷

۱۳۶۳ ش؛ عالمزاده، هادی، «آتش، احمد»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیرنظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۶۷ ش؛ مورسین، جرج و دیگران، تاریخ و ادبیات ایران، ترجمه یعقوب آزند، تهران، ۱۳۸۰ ش؛ مینوی، مجتبی، «جامع التواریخ»، مجله دانشکده ادبیات تهران، تهران، س، ۷، ش، ۴، تهران، ۱۳۳۹ ش؛ همایی، جلال الدین، تاریخ ادبیات ایران، تهران، ۱۳۷۵ ش؛ یاقوت حموی، شهاب الدین ابوعبدالله، معجم الادباء، قاهره، پی تا؛

Akpınar Y., Azeri edebiyatı araştırmaları, İstanbul, 1994; Ateş, Ahmed «Cāmical-Tavārih Tenkidi münasebetiyle», Belleten 97, 1961; Idem, Abdülvehhab, Farsca gramer, İstanbul, 1942; Idem, Tahsin Yazıcı, Nihad Çetin, Arapça dil bilgisi, İstanbul, 1964; İslam Ansiklopedisi Kurdakul, Şukran, Şairler ve yazarlar sözlüğü, İstanbul, 1973; Türkiye diyanet vakfı, Islam Ansiklopedisi, vol.4, İstanbul, 1991.

رحیم رئیس نیا

در قرن بیستم میلادی، به همراه تعریف علمی آن به ترتیب تاریخی پرداخته شده است.

سنت ایران‌شناسی در اروپا در قرن هفدهم و در دانشگاه لیدن هلند آغاز شد. در آن زمان زبان فارسی هم مورد علاقه اعضا شرکت هندشرقی بود و هم مورد علاقه دانشمندان و دانشگاهیان این کشور. تحقیق جدی درباره زبان فارسی و تاریخ ایران در هلند را توماس ارپینوس (۱۵۸۴-۱۶۲۴)، استاد زبانهای عربی، فارسی و دیگر زبانهای شرق دانشگاه لیدن آغاز کرد. پس از او یاکوب گولیوس (۱۵۹۶-۱۶۶۷) به تحقیق در زبان فارسی همت گذاشت. حاصل کوششهای او فرهنگ فارسی-لاتینی بود که پس از مرگ او، به کوشش ادموند کاستل، شرق‌شناس انگلیسی، در ۱۶۶۹ م منتشر شد. لویی دودیو، کشیش پروتستانی، دیگر شرق‌شناس هلندی است که کتاب دستور زبان فارسی را، در ۱۶۳۹ م، به زبان لاتینی تألیف کرد. این اثر را نخستین تحقیق در زمینه زبان فارسی دانسته‌اند. از دیگر کوششهای صورت گرفته در هلند می‌توان به ترجمه غزلیات حافظ و مجموعه ضرب‌المثلهای فارسی (۱۶۴۴ م)، اثر لوینوس وارنر آلمانی، و نخستین متن چاپی گلستان (۱۶۵۱ م) به اهتمام گئورگ گنتیوس، دیگر شاگرد آلمانی گولیوس، اشاره کرد. میخائيل یان دخویه (۱۸۳۶-۱۹۰۹ م) خاورشناس هلندی، سالها بعد با تصحیح شماری از مهم‌ترین کتب تاریخی-جغرافیایی دانشمندان عرب و ایرانی، مانند تاریخ طبری خدمت بزرگی به حقیقت در این حوزه کرد. هرچند کارهای او عمده‌تاً در باب زبان و لغت عربی و متون تاریخی عربی بوده است، با این‌همه، کتابهای او از منابع دست اول در این زمینه محسوب می‌شود. بعد از هلند، هستان به ایجاد رابطه و تعامل فرهنگی با ایران علاقه داشته است. این ارتباط از طریق امپراتوری عثمانی، همسایه مشترک ایران و هستان صورت گرفت. ساموئل اوتوینووسکی یکی از نخستین ایران‌شناسان هستانی است که، در حدود سال ۱۶۱۰ م، گلستان سعدی را ترجمه کرد.

نگاهی اجمالی به این مجموعه

هدفه

الکساندر خوجکو (۱۸۹۱-۱۸۰۴) ایران‌شناس هسته‌ای، در زمینه فرهنگ عامه، دستور زبان فارسی و تاریخ گیلان آثار بدیعی از خود به جای گذاشت. آلبر دوبیبرستن کازییرسکی (۱۸۸۷-۱۸۰۸)، دیگر ایران‌شناس هسته‌ای است که آثاری در زمینه فرهنگ‌نویسی و دستور زبان و ادبیات فارسی، نظری زبان فارسی عامیانه و یا فرهنگ گفتگوهای فرانسه - فارسی، واژه‌نامه فرانسه - فارسی تألیف کرد.

پس از هسته‌ای، ایتالیا روابط سیاسی و تجارتی و فرهنگی با ایران داشت، جوان با تیستا رایوندی (۱۵۳۶-۱۶۱۴) بزرگ‌ترین شرق‌شناس ایتالیایی در عصر خود، زبان فارسی را زیباترین زبان جهان می‌دانست. محققان ایتالیایی در این دوره بیشتر به ترجمه و گردآوری مخطوطات شرق مهم‌کنن، از جمله آثار ایرانی، علاقه داشتند. کهن‌ترین نسخه خطی شناخته‌شده از شاهنامه فردوسی در کتابخانه ملی فلورانس و نسخه مصور منطق‌الطیر عطار که از جهت نقاشی و خطاطی شاهکاری در هنر کتاب‌سازی ایرانی است، در شهر تورینو نگهداری می‌شود.

در قرن هجدهم ایران‌شناسی در انگلستان و فرانسه رونق بیشتری یافت. توماس هاید (۱۶۲۸-۱۷۰۲/۱۷۰۳) در سال ۱۷۰۰ م با تألیف کتاب تاریخ دینی ایران، نخستین بار اذهان را در اروپا به تاریخ و زبان و ادبیات ایران باستان جلب کرد. محققان هلندی و آلمانی او را بزرگ‌ترین شرق‌شناس اروپا به شمار می‌آورند. مطالعات او در زمینه دین زرده‌شی، ترجمه‌های متون فارسی و عربی و تحقیقات او در زمینه بازیهای شرق، به‌خصوص، بازی شطرنج، از جمله فعالیتهای علمی هاید است. آنکتیل دوپرون (۱۷۳۱-۱۸۰۵) دیگر شرق‌شناس انگلیسی است که با ترجمه زند اوستا به فرانسه، توجه اروپا را به تاریخ و زبان و ادبیات ایرانیان قدیم جلب کرد. زبانهای زند و پهلوی تا آن زمان در اروپا ناشناخته بود. ترجمه زند اوستا گامی بزرگ در زمینه فارسی باستان بود. محققان آن را مبدأ تاریخ مطالعات ایران‌شناسی در اروپا دانسته‌اند. در پی آن سیلوستر دوساسی

(۱۷۹۳-۱۸۳۸م) در سال ۱۷۵۸ با تأسیس کرسی زبان در مدرسه زبانهای زنده شرق و خواندن سنگنیشته‌های کرمانشاه ادامه دهنده این راه بود. در این دوره، مارسل اوگوست دیولافوا، مهندس و باستان‌شناس فرانسوی کاخهای داریوش اول و اردشیر دوم هخامنشی در شوش را کشف کرد و راه جدیدی برای محققان چون آندره گدار، جورج گلن کامرون، مؤلف اثر ماندگار الواح خانه تخت جمشید، گشود.

در قرن نوزدهم، تأسیس کرسی زبان فارسی در کوثر دوفرانس موجب بسط آموزش زبان فارسی در اروپا به خصوص آلمان شد. در اواسط این قرن زبانها و گویش‌های ایرانی سخت مورد توجه آرتور دوگوبینو (۱۸۱۶-۱۸۸۲م) و برنهارد دورن قرار گرفت. تحقیق در گویش‌های ایرانی مهم‌ترین و وسیع‌ترین مبحث ایران‌شناسی است. خاورشناس آلمانی، هلmut ریتر، با تحلیل عرفان عطار و معزّی چهار اثر مهم او، منطق‌الطیر، اسرارنامه، مصیبت‌نامه و الهی‌نامه ارزیابی اجمالی آنها و نشر منتخباتی از آثار ابوحامد غزالی، نقش بسزایی در این زمینه داشت. علاقه به ایران‌شناسی، غیر از مراکز خاورشناسی، در دانشگاه‌های آلمان و فرانسه و انگلستان نیز گسترش یافت.

در فرانسه ایران‌شناسی، که پس از درگذشت آنکتیل دوپرون دچار رکود طولانی شده بود، به کوشش اوژن بورنوف از سرگرفته شد. او، که متخصص در سنسکریت و اوستا در زمان خود بود، شروع به چاپ سنگی و ندیداد ساده از روی نسخه خطی زند کرد. تحقیقات بورنوف در آلمان بسیار مورد توجه واقع شد. این مارک کاترمر از بنیانگذاران مکتب تاریخی خاورشناسی، با تحقیق و ترجمه‌های معتبر خود در راه اعتلای رنسانس شرق گام برداشت. همچنین گارسن دوساسی کتاب دستور زبان فارسی ویلیام جونز را از انگلیسی به فرانسه ترجمه کرد و یکی از کارهای مهم او تألیف کتاب اشعار فلسفی و مذهبی ایرانیان براساس کتاب منطق‌الطیر عطار است. او بوستان سعدی را نیز به فرانسه ترجمه کرد. همچنین زام

دارمستر، مؤلف کتاب مطالعات ایرانی، مجموعه تاریخ و ادبیات ایرانی، از نام آوران فرانسه بود. هانری ماسه خاورشناس و ایرانشناس معاصر با تحقیق درباره سعدی و ترجمه بهارستان جامی، ویس و رامین گرکانی و گرشاسب نامه اسدی طوسی، فردوسی و حماسه ملی و ترجمه بیست غزل حافظ و ترجمه دانشنامه علائی ابن سینا، از برجستگان فرانسه به شمار می‌آید. تحقیقات ژول مول متخصص در زبان و ادبیات فارسی، با انتشار بخششایی از اوستا و ترجمه باهایی از مجلمل التواریخ والقصص آغاز شد. بزرگ‌ترین کار او ترجمه شاهنامه به نثر فرانسوی و فراهم آوردن طبعی کامل از شاهنامه در هفت مجلد در پاریس است. ترجمه مول مهم‌ترین ترجمه به زبان‌های اروپایی است. در فرانسه، آنی کرین تحقیقات بسیاری درباره حافظ و مولوی نیز انجام داد. زندگی و آثار ملاصدرا شیرازی را معرفی کرد. اثر ماندگار او اسلام ایرانی در چهار جلد است که یک جلد آن به‌طور اخص به شهاب‌الدین شهروردی اختصاص دارد.

نهضت مطالعات ایرانی در داغارک به کوشش نیلز لودویگ و سترگارد، با انتشار نخستین چاپ کامل متون شناخته‌شده زند اوستا، تا سال ۱۸۵۴ م پی‌گیری شد.

در آلمان نیز مساعی قابل توجهی در زمینه‌های مختلف زبان، ادبیات، فقه‌اللغة ایران صورت گرفت؛ از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: فریدریش فون اشپیگل آثار قابل توجهی پدید آورد؛ هوگ مارتین، متخصص در فقه‌اللغة ایرانی، آثار فراوانی، از جمله واژه‌نامه زند - پهلوی، زبان پهلوی و بندeshen، خط و زبان، دونوع سند خطی، ارادا ویراف نامه و پنج گاهان را تألیف کرد. لودویگ ویلهلم گایگر، بنیانگذار مجله ایران‌شناسی و مصحح و مترجم نسخه پهلوی «وندیداد» کتاب دستنامه زبان اوستایی را، که درباره آواشناسی زبان اوستایی است، تألیف کرد. فریتس وولف ایران‌شناس و شاهنامه‌پژوه نامدار آلمانی فرنگ شاهنامه فردوسی را تألیف کرد. او بیست و پنج سال عمر خود را وقف تدوین این

بیست

ایران‌شناسی و ایران‌شناسان

کار بسیار دقیق کرد. وولف در زمینه ایران باستان نیز آثار ماندگاری مانند دستور زبان ایرانی باستان و فرهنگ زبان ایرانی باستان و ترجمه جدیدی از اوستا به زبان آلمانی از خود به جای گذاشت.

در قرن نوزدهم مارسل دیولافو و ژاک دومورگان تحقیق در زمینه آثار باستانی ایران را ادامه دادند. هیئتی به ریاست دومورگان به ایران آمدند و طی سالها کاوش‌های بسیاری در شوش انجام دادند. بشریت ماقبل تاریخی، ماقبل تاریخ شرقی، مطالعه جغرافیایی درباره شوش، جغرافیایی باستانی، تحقیقات باستان‌شناسی، مطالعات زمین‌شناسی، زمین‌شناسی چینه‌شناسی، نتیجه تحقیقات او در این سالهاست. برخی ایران‌شناسان نیز کتابهای درسی تألیف کردند، مانند بلوخان که کتاب عروض سیفی و قافیه جامی را تصحیح و منتشر کرد. او، علاوه بر آن، نسخه فارسی آیین اکبری ابوالفضل علامی را نیز ویرایش و منتشر کرد.

در قرن بیستم ایرانیان نیز دست به کار شدند و به تحقیق در زمینه ایران‌شناسی پرداختند. در این قرن، به رغم وقوع دو جنگ جهانی، مطالعات ایران‌شناسی ادامه یافت. ایران‌شناس انگلیسی نامی و پرکارترین دانشپژوه در آین زرتشت در این دوره، نورا الیابت بویس خالق کتاب سه جلدی تاریخ کیش زرتشت بود. اما او در کنار آن به مقایسه ادبیات حمامی جهان با داستانهای شاهنامه و همچنین خط و دست‌نوشته‌های مانویان می‌پرداخت. در این قرن، بلوشه محقق و موّخ فرانسوی، شهرستانهای ایران و کتاب تحقیقاتی در باب دستور زبان پهلوی را ارائه کرد. او حافظ نسخ خطی نیز بود و اقدامات بسیاری برای فهرست‌نویسی آغاز کرد. دانشمند بزرگ دیگر این دوره امیل بنونیست است. او در حیطه زبان‌شناسی و دستور فعالیت می‌کرد. زبان‌شناسی عمومی، مسائل زبان‌شناسی عمومی و مصادرهای اوستایی از جمله آثار او در زمینه ایران‌شناسی است. در ایتالیا، ایتالو بیتسی، با تأسیس مؤسسه مطالعات شرق ناپل و تدریس زبانهای ایرانی در دانشگاه‌های رم و تورینو، به ادبیات تطبیق و تحقیق در

نگاهی اجمالی به این مجموعه

محاسه‌های ایرانی اهتمام ورزید. ترجمه شاهنامه به زبان ایتالیایی پیتسی، از حیث تأثیر، همسان ترجمه شاهنامه به زبان فرانسوی اثر ژول مول است. او، علاوه بر شاهنامه، گلستان سعدی و رباعیات خیام را نیز به زبان ایتالیایی ترجمه کرد. خاورشناس و ایرانشناس نامدار ایتالیایی متخصص در تاریخ و ادیان ایران باستان، گراردو نیولی، با انتشار کتاب پژوهش‌های تاریخی درباره سیستان باستان و گزارشها و خاطره‌ها به طور گسترده به جغرافیای تاریخی ایران باستان پرداخت. او، با مطالعه اوستا و متون پهلوی، به تاریخ زردشت، آیین و آموزه‌های او نزدیک شد و کتب دانشنامه دین، زردشت در تاریخ و از زردشت تا مانی را تألیف کرد. الساندرو باوزانی، مؤلف کتاب دستور زبان فارسی جدید و تاریخ ادبیات فارسی نیز تحقیقاتی در زمینه زبان و ادب فارسی و تاریخ ادیان ایران کرد و تدریس اسلام‌شناسی در دانشگاه رم را بر عهده گرفت. او رباعیات خیام، متون دینی زردشتی و مینوی خرد را به ایتالیایی ترجمه کرد.

نام آوران بزرگی در تاریخ ایران باستان، ادبیات و زبانهای ایرانی و متون حماسی ملی زمینه‌های تحقیق جدید پدید آوردند. تألیفات آنها جزو منابع دست اول محسوب می‌شود و هنوز، بعد از گذشت سالها، همچنان در دانشگاهها تدریس می‌شود. از آن جمله می‌توان به این محققان اشاره کرد: بارتولومه، که کتاب واژه‌نامه ایرانی باستان و کتاب درباره واژه‌نامه ایرانی باستان، مکمل واژه‌نامه ایرانی باستان او، هنوز همتا ندارد؛ هارولد والتر بیل انگلیسی محقق زبان ختنی و سکایی، که مجلّدات هفتگانه متون ختنی را با عنوان متون بودایی ختنی به طبع رساند و حاصل تحلیلهای ریشه‌شناختی او فرهنگ سکای ختن است؛ ویلیامز جکسون، پژوهشگر امریکایی، که در میان آثار مهم او می‌توان از دستور زبان اوستایی، الفبای اوستایی و آوانویسی آن و همچنین کتاب گزیده اوستایی او یاد کرد؛ کارل هرمانوویچ زالمان که با انتشار فرهنگ واژه‌نامه کهن پهلوی - پازند، پژوهش‌های فارسی میانه و کتاب متون پهلوی نخستین بار آوانویسی متون

پهلوی را مطرح کرد؛ ایلیا گرشویچ زبان‌شناس نامدار روس‌تبار، که کتاب صرف و نحو سعدی مانوی او هنوز یکی از مراجع مهم، نه تنها در حوزه زبانهای ایرانی، بلکه در زبان‌شناسی تاریخی نیز به شمار می‌رود؛ آنتوان میه با دو کتاب مهم دستور زبان فارسی باستان و سه گفتار در باب گاتهای اوستا جزو این دسته از ایران‌شناسان جای گرفت؛ تئودور نولدکه که یکی از درخشان‌ترین و پرتأثیرترین دانشمندان در حوزه خاورشناسی است. او را می‌توان بنیانگذار خاورشناسی نو در اروپا دانست. مختصص اصلی او زبانهای سامی است. بخش عمده تحقیقات او به ادبیات آرامی و زبان عربی اختصاص یافته است و حاصل آن آثار بسیار ارزشمند تاریخی مانند تاریخ قرآن و سیره محمد است. نگارش اثر ارزشمند تاریخ ایرانیان و اعراب در زمان ساسانیان و ویرایش بخش ساسانیان تاریخ طبری، تصحیح و ترجمه کارنامه اردشیر باکان از دیگر آثار اوست؛ یوزف فریدریش گلدز، شرق‌شناس آلمانی، که آثار درخشان او، مانند اوستا، کتاب مقدس پارسیان، جلد سوم وندیداد و ویسپرد و خرده اوستا، مراجع معتبری برای مطالعات اوستایی به شمار می‌رود؛ والتر برونو هرمان هنینگ از محققان بنام و نوادریش در مطالعات ایرانی و پیشگام در پژوهش‌های آیین مانوی و زردشتی است که در کارنامه آثارش افعال فارسی میانه قطعات تورفان، آخرین سفر مانی، حکایات سعدی، درآمدی برآیین زرتشتی، ساختمان فعل در زبان خوارزمی، کتبیه‌های پهلوی و نسخ منظوم فارسی در عصر رودکی مشاهده می‌شود؛ فردیناند یوسقی، متخصص در مطالعات ایرانی، زبان‌شناس تطبیقی و فرهنگ عامه، که اثر ارزشمند او، در زمینه مطالعات متون فارسی میانه زردشتی، آوانویسی و ترجمه متون پهلوی بندeshen است. در زمینه جغرافیای تاریخی ایران نیز کتابی تحت عنوان درباره جغرافیای باستان ایران منتشر کرد. واژه‌نامه زند، واژه‌نامه کردی-فرانسوی و کلیات زبان‌شناسی ایرانی و دستور زبان کردی از جمله آثار اوست؛ هاینریش یونکر زبان‌شناس نامدار در حوزه مطالعات هند و اروپایی،

نگاهی اجمالی به این مجموعه

بیست و سه

زبانهای ایرانی، کره‌ای و زبان‌شناسی همگانی، که فرهنگ پهلوی یکی از آثار اوست؛ رومن گیرشن باستان‌شناس فرانسوی و یکی از پیشگامان پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران که آثار بسیاری دربارهٔ تندّن پیش از اسلام ایران، مانند کاوش‌های سیلک کاشان، ایران در دوران ماد و هخامنشی، از خود به جا گذاشت، و بالآخره توماس هاید، خاورشناس انگلیسی، که کتاب تاریخ دین ایرانیان باستان و تاریخ ادیان ایرانیان، پارتیان و مادهای باستان را تألیف کرد.

در زمینهٔ ایران‌شناسی عصر اسلامی و مباحث عرفانی و ادبیات فارسی، یکی از نامدارترین پژوهشگران معاصر، آنه‌ماری شیمل، اسلام‌شناس، شرق‌شناس دین‌پژوه است. انتشار کتاب ابعاد عرفانی اسلام شیمل او، روح تازه‌ای در ایران‌شناسی دمید. او در حوزهٔ مولوی پژوهی نیز فعالیت داشت و دربارهٔ عرفایی مانند حافظ، مولوی و حلاج و اقبال تک‌نگاریهایی منتشر کرد.

چند ایران‌شناس از جمله آبری، بازوی، بویل به همراه محققان ایران، تاریخ ایران کیمیریچ را تدوین کردند که کاری بسیار ارزشمند بود. پس از آن، ادوارد براون کتاب تاریخ ادبی ایران را تألیف کرد که هنوز همانندی به خود ندیده است و پس از گذشت یک قرن همچنان مرجع معتبری در تاریخ ادب ایران است. او، علاوه بر آن، تذكرة‌الاولیاء و لباب‌الاباب، از مجموعه متنون تاریخی فارسی را منتشر کرد. ایران‌شناسان دیگری نظری استوری، شاگرد ادوارد براون، و آرتور جان آربری و هرمان اته نیز در زمینهٔ تاریخ ایران آثاری منتشر کرده‌اند.

رویداد سترگ دیگر در انگلستان با چاپ انتقادی مثنوی معنوی، به اهتمام رینولد نیکلسن، پژوهشگر مشهور در ادبیات و تصوّف اسلامی- ایرانی اتفاق افتاد. او هدف خود را از ترجمهٔ مثنوی در درجهٔ اول تهیّهٔ متنی قابل استفاده برای محققان می‌دانست، و از این‌رو، سعی کرد که ترجمه‌اش کاملاً دقیق و وفادار به متن باشد. او در این کار فقط به معانی حقیقی کلمات

مثنوی، و نه معانی مجازی یا عرفانی آنها، پرداخته است. از دیگر پژوهش‌های او می‌توان به: ترجمه و تصحیح منتخبات دیوان شمس تبریزی، ترجمه کشف‌المحجوب و ترجمه‌هایی منتخب از نظم و نثر شرق به انگلیسی، ترجمه رساله‌الغفران ابوالعلاء، ویرایش و چاپ تذکرة‌الاولیاء عطّار نیشابوری و فارسنامه ابن‌بلخی، تأليف کتاب‌های عرفای اسلامی، مطالعه در تصوّف اسلامی و مطالعه در شعر اسلامی اشاره کرد. دیگر ایران‌شناس انگلیسی آرتور جان آربیری بود که اثر ارزشمند ترجمه قرآن به انگلیسی را از خود به جای گذارد است. دیگری ادوارد فیتز جرالد، نویسنده و مترجم نام‌آور انگلیسی است که عمده شهرت خود را، به‌سبب ترجمه رباعیات حکیم عمر خیام به زبان انگلیسی، به دست آورد. او گلستان سعدی، شاهنامه و غزلیات حافظ را ترجمه‌ناپذیر یافت و به ترجمة سلامان و ابسال و منطق الطیر عطّار روى آورد.

تحقیقات ایران‌شناسی در روسیه بسیار پربار است. ایران‌شناسان روسیه کوشاترین محققان شرق‌شناسی‌اند. در روسیه موزخان ایران‌شناس بزرگی آثار تاریخی ارزشمندی در سطح بین‌المللی ارائه کردند. واسیلی ولاڈیمیر و پیروز بارتولد، که تحقیقاتش درباره تاریخ و جغرافیای منطقه ماوراء‌النهر شهرت جهانی دارد. واسیلی پتروویچ نیکیتین، که تحقیقات مهم او مطالعات کردشناسی است. انتشار کتاب کرد و کرستان، به زبان فرانسه، او را به شهرت رساند. والنتین ژوکوفسکی تحقیقات بسیاری درباره عطّار کرد. انتشار رباعیات خیام، تصحیح کتاب اسرار التوحید و تأليف کتب دستور مختصر زبان نوین فارسی، مواد و مطالبی برای مطالعه لهجه‌های فارسی از جمله آثار او در زمینه ایران و ایران‌شناسی است. ولاڈیمیر مینورسکی علاقه‌مند به تاریخ و جغرافیای تاریخی، قوم‌شناسی، فرهنگ و لهجه‌های رایج نواحی مرزی آذربایجان و کرستان بود؛ حاصل بررسیهای او انتشار حدود‌العالم و آثاری برای مطالعه شرق است. از دیگر پژوهش‌های معتبر مینورسکی ترجمه تاریخ عالم‌آرای امینی به انگلیسی و

نگاهی اجمالی به این مجموعه

بیست و پنج

ترجمه تحسیله تذکرة الملوک است. یوگنی ادواردوویچ برتلس، ایران‌شناس مشهور داغارکی از تبار روسی، در زمینه ادبیات کهن فارسی پژوهش کرد و ترجمه‌هایی از گلستان سعدی، هفت پیکر نظامی به دست داد. شرح مختصر تاریخ ادبیات فارسی و هزاره فردوسی، و دستور زبان فارسی برخی از مهم‌ترین آثار اوست. او نزدیک به چهل سال ریاست ایران‌شناسی مؤسسه مطالعات شرق روسیه را بر عهده داشت. از ولادیمیر ایوانوف و نیکولای ولادیمیروویچ خانیکوف و الکساندر خوجکو نیز می‌توان به عنوان برجسته‌ترین ایران‌شناسان روس، در زمینه زبان و ادب فارسی و فرهنگ عامه، نام برد.

کشورهای اروپایی مرکزی، مانند چکوسلواکی و مجارستان، رومانی، یوگسلاوی و اتریش نیز دست آوردهای شایان توجهی در ایران‌شناسی داشته‌اند. یکی از مشهورترین آنها یان ریپکا، مستشرق چکوسلواکیایی بود که اثر ارزشمند تاریخ ادبیات ایران را از خود به جا گذاشت. روزنتسوایگ فون شواناو، شرق‌شناس و مترجم آثار فارسی، علاقه وافری به متون اسلامی شرق و ادبیات فارسی داشت. او دیوان حافظ را به آلمانی ترجمه کرد. ترجمه او از دقیق‌ترین ترجمه‌های دیوان حافظ به زبان آلمانی است. رونتسوایگ، با ترجمه گریده‌هایی از دیوان بزرگ‌ترین شاعر صوف ایران، جلال‌الدین رومی، مثنویات هفت اورنگ جامی و منظمه یوسف و زلیخا، یکی از نام‌آوران حوزه شرق‌شناسی در اتریش به شمار می‌آید. هامر پورگشتال دیگر خاورشناس پرکار اتریشی است که ترجمه دیوان حافظ او به زبان آلمانی نخستین ترجمه کاملی است که از این دیوان به یک زبان غربی به دست داده شده است. او دایرة المعارف کتابشنختی کشف‌الظنون حاجی خلیفه و گلشن راز شبستری را نیز به آلمانی برگرداند. گلپکه، ادیب و نویسنده سویسی، که متخصص در ترجمه آثار ادبی است. از مهم‌ترین ترجمه‌های او هفت پیکر نظامی، لیلی و مجرون، امیر ارسلان نقیب‌المالک، یکصد و ده حکایت از گلستان، و از مهم‌ترین تألیفات

بیست و شش

ایران‌شناسی و ایران‌شناسان

او استادان داستان فارسی و ادبیات منتشر ایرانی در قرن بیستم و بخشی در نثر فارسی و همچنین مقالات متعددی دربارهٔ فرهنگ ایرانی دردست است.

ایران‌شناسی در کشورهای اسکاندیناوی یعنی دانمارک، سوئد و نروژ هم دست‌آورده شایان توجهی داشته است. آرتور کریستنسن دانمارکی، پژوهشگر عامه و فقه‌اللّغة ایرانی است. کتابهای ایران در زمان ساسانیان، کیانیان، بررسی انتقادی رباءعیات خیام، بررسی ادبی-تاریخی رباءعیات خیام، شعراء و فلاسفه اسلامی که تحقیق در احوال و آثار ابوالعلاء معزی، ابن سینا، ناصرخسرو و سعدی است، از آثار ارزشمند اوست. هنریک ساموئل نیبرگ سوئدی مؤلف استناد پهلوی اورامان، مسائل مربوط به آفرینش جهان و جهان‌شناسی در دین مزدیسنی و گاهشماری مزدیسنی و همچنین گئورگ والتنین مورگنشتیرن نه نروژی کتابهای گزارشی دربارهٔ هیئت اعزامی زبان‌شناسی افغانستان و زبانهای ایرانی فلات پامیر ارائه کرده است.

در میان ایران‌شناسان امریکایی می‌توان از آبراهام ویلیامز جکسون مؤلف دستور زبان اوستایی، ایران در گذشته و حال نام برد، و همچنین از ریچارد فرای، استاد کرسی زبان فارسی در دانشگاه هاروارد، پژوهشگر حوزه‌های تاریخی، جغرافیای تاریخی، زبان‌شناسی، هنر و باستان‌شناسی و سکه‌شناسی و مه‌شناسی. از مهم‌ترین آثار ریچارد فرای نکاتی چند دربارهٔ نخستین مسکوکات ماوراءالنهر، تاریخ بخارا (نرشخی)، میراث ایران و عصر زرین فرهنگ ایران و تاریخ ایران باستان است.

در هند نیز به‌سبب اشتراکات تاریخی و سیاسی آن با ایران، ادبیات فارسی رواج بسیار داشته است. بر تخت نشستن پادشاهان فارسی‌زبان در هند که یا خود شاعر بودند یا به شعر و ادبیات فارسی علاقه داشتند، باعث شد که بسیاری از شاعران و ادبیان ایرانی به هند مهاجرت کنند و تأثیفات بسیاری به زبان فارسی در هند صورت گیرد. از ایران‌شناسان هندی

نگاهی اجمالی به این مجموعه بیست و هفت

می‌توان به دهاروال مؤلف ادات‌الفضلاء، که یکی از کهن‌ترین فرهنگ‌های شبه‌قازه در نوع خود است و سید امیرحسن عابدی، معروف به پدر زبان فارسی در هند، نام برد، که ادیب اردو زبان و شاعر فارسی‌گوی شبه‌قازه بود. منتخب‌اللطفاء و احوال و آثار ابوطالب کلیم کاشانی، تصحیح مثنوی عصمت‌نامه و دریای اسمار از مهم‌ترین آثار اوست. در کشورهای همسایه ایران، از جمله ترکیه، افغانستان، تاجیکستان، که برخی زمانی جزو ایران بودند، و برخی نیز به دلایل مختلف سالیان دراز متاثر از ادبیات، زبان و فرهنگ ایرانی بوده‌اند نیز، تحقیقات بسیار در زمینه‌های مختلف ایران‌شناسی صورت گرفته است.

از ایران‌شناسان کشور ترکیه می‌توان به محققان زیر اشاره کرد: احمد آتش که چند کتاب فارسی را به ترکی ترجمه کرده است. اهم آنها از این قرار است: تصحیح کتابهای سندبادنامه، ترجمان‌البلاغة و جامع التواریخ؛ عبدالباسق گولپینارلی، پژوهشگر بنام ترک در تصوّف اسلامی و مولوی‌شناسی، که شرح و ترجمه شش دفتر مثنوی جلال‌الدین بلخی به زبان ترکی از جمله کارهای مهم او در زمینه مولوی‌پژوهی است. او در حدود صد و چهارده کتاب به صورت تألیف، ترجمه و تصحیح در حوزه ایران‌شناسی از خود بر جای گذاشته است. او دیوان حافظ، منطق‌الطیر، الہی‌نامہ عطّار، و گلشن راز شبسیتری و بخشی از چهارمقاله نظامی عروضی سمرقندی را از فارسی به ترکی ترجمه کرده است؛ تحسین یازجی، مستخلص تاریخ و متون عرفانی آسیای صغیر، در زمینه مطالعات مولوی‌شناسی که کتابهای او اعمّ از تألیف، تصحیح، ترجمه به موضوعاتی چون تاریخ و فرق تصوّف در آناتولی، جلال‌الدین بلخی و آموزش و ترویج زبان و ادب فارسی اختصاص یافته است. او بسیاری از برجسته‌ترین متون فارسی در زمینه‌های عرفان و تصوّف و فرق اسلامی مانند کنز‌السالکین یا زاد‌العارفین، مناقب‌العارفین، مناقب ابراهیم گاشنی، روشنایی‌نامه را تصحیح کرده است. علاوه بر اینها، مناقب‌العارفین افلاکی و رساله قشيریه

ابوالقاسم قشیری را نیز از فارسی به ترکی ترجمه کرده است.

در این مجموعه ایران‌شناسان تاجیکستان نیز معرفی شده‌اند: ساتم الغزاده که کتاب داستانهای شاهنامه را به روسی ترجمه کرد. میرزا تورسون‌زاده منتقد و شاعر خلق تاجیکستان، باباجان غفوراف، برای انتخاب بهترین غونه‌های ادبیات شرق، بهویژه ادبیات فارس و تاجیک کوشش‌های بسیار کرد؛ قسمتی از شاهنامه فردوسی با مقدمه او به چاپ رسیده است. احمد دانش، متفکر، ادیب، شاعر و دانشمند بزرگ تاجیک، که کتاب نواذرالواقع او در بیداری روشنفکران آسیای میانه تأثیر فراوان داشته است. محمدجان شکوری بخارایی، محمدشریف جان صدر ضیاء، شیرعلی لایق و رسول هادی‌زاده و صدرالدین عینی از دیگر ایران‌شناسان تاجیک معرفی شده در این مجموعه‌اند.

از پژوهشگران حوزه ادب فارسی در افغانستان نیز، که در این مجموعه معرفی شده‌اند، می‌توان از خلیل‌الله خلیلی نام برد که درباره آثار حکیم سناجی غزنوی، بیدل دهلوی و ناصرخسرو تحقیق کرده است.

سیّه پهلوان